

باسمه تعالی

عنوان کرسی: نقش راهبردی اقتدار فرهنگی در امتداد حیات اجتماعی شیعیان

ارائه دهنده: حجت الاسلام دکتر محمودرضا محمددوست (مدرس جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد اول: حجت الاسلام محمدصادق اخوان (هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد دوم: خانم دکتر طیبه دهقانپور فراشاه (مدرس دانشگاه علامه طباطبائی)

مدیر کرسی: حجت الاسلام محمدحسین شریفی (مدرس جامعه المصطفی العالمیه)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: دو شنبه (۳ اردیبهشت ۱۴۰۳)، ساعت ۱۲:۳۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از حجت الاسلام دکتر محمددوست به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند.

در ادامه، ارائه دهنده حجت الاسلام دکتر محمددوست به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

رهبران شیعی که از همان ابتداء در تنگنای فراگیر دوران قرار داشته و به منابع بنیادین قدرت مانند اقتصاد و سیاست دسترسی نداشتند، با اتخاذ راهبرد مؤثر فرهنگ، جان تازه ای به کالبد نیمه جان شیعه بخشیده و بدینوسیله به اوج اقتدار حقیقی دست یافته و استمرار آن را تضمین نمودند.

در همین راستا این مقاله بر اساس منابع تاریخی و با بهره گیری از روش تحلیل محتوای سخنان باقی مانده از امامان (علیهم السلام) در پی پاسخ به این پرسش اصلی پژوهش است که؛ مهم ترین مؤلفه های اقتدار فرهنگی امامان در استمرار حیات شیعه چه بوده است؟.

یافته های تحقیق نشان می دهد؛ اقتدار علمی و سرمایه گذاری فرهنگی مهم ترین مؤلفه های اقتدار فرهنگی رهبران شیعه بوده است که در ایجاد، تقویت و استمرار گفتمان شیعه و غلبه بر حاکمیت گفتمان اکثریت نقش اساسی داشته، به گونه ای

که ایشان توانستند علاوه بر اثرگذاری عمیق بر دیگر فرهنگ ها، با توسعه نفوذ قلمرو جغرافیای فرهنگی تشیع، فراتر از قلمرو سیاسی حاکمان، شیعه را به قدرت اجتماعی تبدیل نمایند.

بدیهی است به کارگیری این مؤلفه های حرکت آفرین، در کنار مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن، می تواند چراغ راه شیعه در جهانی سازی فرهنگ تشیع دوازده امامی و نقش آفرین در ارتقای اقتدار اجتماعی آنان در مسیر شکوفائی تمدن نوین اسلامی باشد، چنان که غفلت از آن اثربخشی اقدامات شیعه را با چالش اساسی مواجه خواهد نمود.

اگرچه در موضوع نقش راهبرد اقتدار فرهنگی شیعه، پژوهش مستقل و منسجمی تألیف نشده، اما پژوهش های فراوانی درباره مفهوم فرهنگ، قدرت نرم و اجزای فرهنگ شیعه، به صورت ضمنی انجام شده است، که می توان به موارد ذیل اشاره نمود.

کتاب "سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (ع)" (۱۳۸۲) نوشته محمدرضا جباری؛ کتاب "راهبردهای ائمه در مواجهه با ناهنجاری های اجتماعی" (۱۳۹۵) نوشته سید علی رضا واسعی؛ در میان مقالات منتشر شده، مقالاتی با عنوان: «نقش اهل بیت (ع) و شیعیان در شکل گیری فرهنگ و تمدن اسلامی» (۱۳۹۵)، نوشته زینب زمانی، «بررسی جایگاه و کارکرد جهاد فرهنگی امامان معصوم (ع) در عصر اول عباسی» (۱۳۹۵)، نوشته محمد تقی سازندگی، «راهبردهای امام سجاد (ع) در گسترش فرهنگ اهل بیت (ع) و تشیع» (۱۳۹۵) نوشته محمود سامانی و محمود بختیاری، «نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا (ع) بر جامعه شیعه» (۱۳۹۳)، نوشته مرضیه محمودی و حسین خاکپور و منصوره سعیدی گراغانی، «تحلیل و بررسی سیاست فرهنگی ابناء الرضا (ع)» (۱۳۹۵)، نوشته روح الله دهقانی، «راهبردها و مهندسی فرهنگی امام هادی (علیه السلام) در مواجهه با اهل سنت» (۱۳۹۶)، نوشته اصغر منتظرالقائم، مصطفی پیرمردیان، زهرا سلیمانی و «کتاب های اصحاب امامان سرمایه های فرهنگی شیعیان» در کتاب "شیعیان متقدم" (۱۳۹۷)، نوشته محمدحسین افراخته تلاش کرده اند، با رویکرد اعتقادی و جامعه شناسانه به تاریخ شیعه و با ارائه گزارش های گوناگون، قدرت فرهنگی امامان شیعه را به نمایش بگذارند. با وجود اهمیت موضوع و اشارات گذرا به مقوله فرهنگی در این منابع، بسیاری از این تألیفات ضمن تمرکز برکنش های کلامی ائمه (ع)، به رابطه مؤلفه های فرهنگی با اقتدار و امتداد شیعه توجه نداشته اند، که این نوشته در پی آن می باشد.

اصلی ترین مؤلفه های تأثیرگذار در حوزه نفوذ جوامع، راهبردهای فرهنگی می باشد، که رهبران شیعی با کمک آن، بدون ستیزش نظامی، قلوب جامعه را فتح کرده و بر محدودیت های فراوان حاکمیت فائق آمده و به سرزمین های جدید نفوذ کرده و اندیشه های فراوانی را به تسخیر درآورده و در گذر زمان به قله اقتدار حقیقی در برابر حکومت تبدیل شدند؛ از این رو امامان شیعه قبل از هرچیز، ماهیت این مذهب را، به فرهنگ گره زدند، به گونه ای که در چالش با هویت سیاسی اجتماعی اقتصادی غالب، هویت فرهنگی ایشان، دیدگاه بسیاری را تغییر و با تاثیر در افکار عمومی، دایره نفوذ اجتماعی امامان را گسترش داد تا به پیشوائی قلب ها نائل آیند.

اقتدار فرهنگی از علل موجبه و مبقيه شيعه محسوب می شود. امامان با پشتوانه اين راهبرد عظيم، با هزینه کمتر و اثربخشی بیشتر، افق اندیشه پيروان شان را گسترش داده و بنیان های فکری آنان را در راه رسیدن به اهداف تقویت کردند. اگر چه راهبردهای استمرار حیات شيعه منحصر به اقتدار فرهنگی نبوده، اما بهره نگرفتن از چنین ثروت ارزشمندی، به حذف تدریجی شيعه می انجامید، چنان که فرقه هایی که از آن فاصله داشتند، به سرعت تضعیف شده، امکان رشد تاریخی را در عرصه اجتماعی پیدا نکردند.

تحکیم و توسعه اقتدار فرهنگی امامان با؛ اقتدار علمی و سرمایه گذاری فرهنگی پیوندی ناگسستنی دارد، چنین مؤلفه هایی توانست آذرخش امید را در شيعه به وجود آورده و این اقلیت را همچون کبوتری توانمند و پرنشاط برای سفری دور پرواز آماده سازد، تا با ارسال پیام شيعه به بازار جهان در زمان ها و مکان های گسترده تر گشایشی عظیم برای ایشان فراهم آورده و به خروج آن ها از بن بست های مختلف کمک نماید؛ بازتاب اقتدار فرهنگی امامان را می توان در؛ افزایش تاثیرگذاری قلمرو نفوذ امامان، تسهیل در دستیابی به اهداف و منافع، مقبولیت مردمی، عقب نشینی حاکمان، تقویت خودباوری، بهبود وجهه عمومی، تحکیم امنیت و گسترش تفکر شيعه، به روشنی مشاهده کرد.

پس از ارائه تفصیلی حجت الاسلام دکتر محمد دوست، ناقد اول حجت الاسلام محمدصادق اخوان در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- عنوان مقاله: تغییر کلمه امتداد به چیرگی حیات اجتماعی شیعیان.
- مرجعیت علمی مخصوص زمان اهل بیت نبوده است بلکه هزاران سال بعد و هم اکنون ادامه دارد.
- جمهوری اسلامی ایران مصداق بارز پویایی این جریان تا به زمان حاضر است.
- در مقدمه و چکیده یک سوال اصلی پرسیدید که شاید جای مناسبی نبوده است. چرا که ممکن است دو توهم برای خواننده بوجود بیاورد:
- منابع بنیادین قدرت را حکومت و اقتصاد معرفی کردید. آیا چیرگی اجتماعی خود از منابع بنیادین نیست؟
- راهبرد خروج از وضعیت عدم دسترسی به منابع بنیادین سیاست و اقتصاد، تلاش به سمت راهبرد فرهنگی بوده است در حالیکه به شواهد تاریخی، شيعه حتی در اوج دسترسی به منابع سیاسی و اقتصادی، مصادیق مرجعیت علمی - فرهنگی بسیاری را ابراز داشته است. شواهد قرآنی بسیاری هم در این زمینه وجود دارد.

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که خانم دکتر طیبه دهقانپور به موارد زیر پرداختند:

- بُعد ساختاری مقاله:
- پیشینه در مقاله یک ارزیابی نقادانه از آنچه که قبلا نگارش شده است. بهتر بود چگونگی استفاده از نگارشات قبلی بیان شود. شما تحلیل محتوا را در مقاله به عنوان روش نگارش بیان کردید اما شواهد این روش در متن دیده نشد.

- در تحقیقات توصیفی مبانی نظری مورد بررسی قرار میگیرد. اما مقاله تحلیلی حضرتعالی نیازمند چهارچوب مفهومی است .

● بُعد محتوایی مقاله:

- لازم بود از برخی منابع استفاده نشود که مصداق آن بیان شد.

- تعریف فرهنگ از منابع خارجی استفاده کردید و ارجاع دادید درحالیکه در منابع فارسی تعریف جامعی نسبت به آن بیان شده است.

- شایسته بود کلمه اصلی ترین در عنوان مقاله می آمد چرا که اقتدار فرهنگی در مولفه های دیگر نیز قابل استفاده است.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.